



اگر چه دستیابی به فناوری هسته‌ای به بخشی از غرور ملی ایرانیان تبدیل شده است، اما نباید چنین تصوّر شود که بدون توجّه به الگوی هزینه-فایده و بدون توجّه به مصالح کلان ملی، می‌توان به حرکت در این زمینه ادامه داد



آمیز اتمی ایران برخاسته از عدم درک واقعیت‌های موجود و تلقی نادرست از ساز و کار تصمیم‌سازی در نظام اسلامی بر اساس مبانی الهی است. پیش از این به این نکته اشاره کردم که تفاوت در جهان بینی و طرز نگاه به سیاست و مدیریت جامعه، کار را برای تبیین دیدگاه‌های ما برای طرف مقابل دشوار می‌کند. اما در مجموع باید گفت که به تعبیری یکی از پژوهشگران غربی که از نگاهی منصفانه و به دور از غرض‌ورزی برخوردار است و این نگرانی‌ها و این بحران ساختگی و توهم‌آلود است. خوشبختانه اکنون مجالی فراهم آمده است تا با رویکردی جدید نسبت به تبیین و تشریح موازین نظام اقدام شود. تمام هدف ما آن است که ضمن حراست از حقوق قانونی و مسلم ملت ایران در بهره‌برداری از فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای تحریم‌های ظالمانه و غیرقانونی را مرتفع نماییم. به بیان دیگر ما برای حضور عزّتمندانه در عرصه منطقه‌ای و جهانی، مصمّم هستیم تا ضمن پافشاری بر اصول مبانی اسلامی و انقلابی در مسیر تعامل سازنده با جهان گام برداریم.

یکی از الزامات حرکت در این مسیر رفع موانع موجود در مسیر تعاملات بین‌المللی از جمله در حوزه هسته‌ای می‌باشد. امیدوارم طرف مقابل از فرصت ایجاد شده برای تنظیم درست تعاملات خود با ایران اسلامی و اصلاح نگرش‌ها و روش‌ها با حکمت و درایت استفاده نماییم. فرصتی که نظام و ملت ایران برای آن‌ها ایجاد نموده است، باید مغتنم تلقی شود چرا که همواره شرایط برای رفع پارهای مشکلات به یکسان فراهم نمی‌شود. به هر روی ما بر اساس رهنمودها و ارزشادات مقام معظم رهبری و تدابیر ریاست محترم جمهوری به حرکت در این مسیر ادامه خواهیم داد و نتیجه هر چه باشد، پیروزی با ملت ایران است.



در مجموع می‌توان گفت که آن‌ها دریافتند که هیچ گزینه‌ای جز تعامل با جمهوری اسلامی ایران و احترام به یک ملت دیرپا و تمدن‌ساز برای آن‌ها وجود ندارد. البته برخی جریان‌های تندرو بی‌بهره از درایت و فهم سیاسی همچنان بر طبل تنش و کشمکش با ایران می‌کوبند که راه به جایی نخواهند برد، اما در یک سطح فراگیر می‌توان گفت که بسیاری در سطح بین‌المللی به این حقیقت رسیده‌اند که باید در نوع ادبیات و تعامل خود با یک نظام مردمی نیرومند تجدیدنظر نمایند. امیدواریم که چنین نگاهی هر روز بیشتر حاکمیت یافته و بی‌خردانی که از درک هویت انقلاب اسلامی و ماهیت مردمی نظام عاجز مانده‌اند، بیش از پیش به حاشیه رانده شوند.

طی ماه‌ها هفته‌های اخیر سازمان انرژی اتمی به طور جدی‌تری در فرآیند مذاکرات هسته‌ای اعم از دیدار و گفت‌وگو با مقامات آژانس و همین‌طور حضور در مذاکرات دوجانبه با وزیر انرژی آمریکا و اعضای ۵+۱ حضور داشته است به طور مشخص با توجه به سوال قبلی تا چه حد ورود مذاکرات به این ابعاد فنی را می‌توان نشانه‌ای از اراده جدی طرف مقابل برای حل و فصل مسائل تلقی کرد؟

همانگونه که اطلاع دارید موضوع هسته‌ای کشورمان دارای ابعاد فنی، حقوقی و سیاسی است. حل مسائل فنی می‌تواند زمینه‌ساز دستیابی سریع‌تر به تفاهم سیاسی شود. اگر چه سازمان انرژی اتمی ایران همواره در حوزه فنی یار و مددکار مذاکره‌کنندگان کشورمان بوده و این مسئله جدیدی نیست، اما برای پایان دادن به بهانه‌جویی‌ها و القاء شبهات، مقرر شد تا با ترکیب و ترتیب کامل‌تری در مذاکرات حضور یابیم.

شما سفرهایی نیز در ماه‌های گذشته به روسیه داشتید و تفاهم‌نامه‌ای با طرف روسی برای احداث چند نیروگاه و تولید مشترک سوخت در ایران امضا کردید به طور مشخص چشم‌انداز همکاری ایران با روسیه در این بخش چه مسیری را طی می‌کند؟

ما همواره در پی گسترش و تعمیق روابط با دولت فدراسیون روسیه بوده‌ایم و روند همکاری‌ها همواره رو به رشد بوده است. ما با همراهی طرف روسی توانستیم نیروگاه اتمی بوشهر را به سرانجام برسانیم. امضای قرارداد احداث دو واحد نیروگاهی جدید در حقیقت بیانگر آغاز فصل جدیدی از تعاملات و همکاری‌های دوجانبه بر اساس مصالح و منافع مشترک است.

شما بعد از اولین حضورتان در دور جدید مذاکرات در ژنو اشاره کردید که برخی بن‌بست‌های موجود در مذاکرات مرور شد و نتایج خوبی گرفتید آیا این نگرانی‌ها ساختگی بودند یا ... اگر امکان دارد در این زمینه توضیحاتی ارائه کنید؟

اصولاً نگرانی‌های موجود پیرامون برنامه صلح

موضوع بهره‌برداری از انرژی هسته‌ای از سوی کشورمان توسط کارشناسان مؤسسه پژوهشی استنفورد (SRI) در دستور کار قرار گرفت و پس از بررسی ابعاد و زیادهای مختلف آن، توصیه شد تا نسبت به تأمین برق هسته‌ای تا حد ۲۰ هزار مگاوات اقدام شود. بر این اساس پروژه‌های متعددی از جمله ساخت دوراکتور اتمی در ساختگاه بوشهر و دارخوین، ساخت تأسیسات مربوط به غنی‌سازی در اصفهان و چند پروژه دیگر با حمایت ایالات متحده آمریکا، فرانسه، آلمان و برخی کشورهای دیگر آغاز شد. اما، پس از پیروزی نهضت اسلامی تقریباً تمام این فعالیت‌ها در محاق تعلیق و تعطیل قرار گرفت. ناگفته پیداست که این تغییر رویکرد قدرتهای جهانی به دلیل ماهیت فنی و تخصصی موضوع رخ نداده است. آن‌ها همواره در پی تضعیف مبانی حاکمیت ملی و تضعیف اقتدار نظام بوده‌اند و همواره موضوعی را برای نیل به مقصود خود مستمسک قرار داده‌اند. چگونه است که تا پیش از انقلاب اسلامی، آن‌ها به نیاز ایران به فناوری هسته‌ای اذعان نموده و با حکومت استبدادی سابق همه‌گونه همکاری می‌کردند اما طی یک دهه گذشته نگاه‌های خبرپر اکنی و تبلیغاتی آن‌ها به تشریح زبان‌های انرژی هسته‌ای به ویژه برای ایران پرداختند. مشخص است که دلیل این یک‌پام و دو هوا چیست و هر ناظری که از اندک هوش سیاسی برخوردار باشد، می‌تواند به علت اصلی این تغییر رویکرد پی ببرد.

یکی از فواید این دور از مذاکرات هسته‌ای ورود به موضوعات فنی و ریز بود که شاید برای اولین بار این امکان را فراهم کرد که تمام دغدغه‌های طرف مقابل درباره راه‌های رسیدن به بمب مطرح شود و متقابلاً راهکارهای جلوگیری از رسیدن ایران به بمب در عین استفاده از فناوری هسته‌ای نیز مطرح و به نوعی جمع‌بندی برسد. به عبارتی شاید الان بشود گفت این دستاورد فنی مذاکرات با پیشنهادهایی که ایران و همچنین در مذاکرات ارائه شد نشان داده است که می‌شود راه رسیدن به بمب را بست و امکان برخورداری از فناوری صلح‌آمیز را هم داشت و اکنون فقط اراده سیاسی طرفین است که باید کار را تمام کند. نظر شما در این مورد چیست؟

نخست‌مایلم به این نکته اشاره کنم که موضع شرع مقدّس اسلام در باب سلاح‌های کشتار جمعی از جمله سلاح هسته‌ای مشخص است. در دوره دفاع مقدّس هنگامی که صدام جنایتکار استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی دست زد، صداهایی در جامعه بلند شد که خواستار مقابله به مثل در برابر اقدامات دژخیمان یعنی بود. اما حضرت امام (ره) بنا بر تعالیم متقن دینی چنین اقدامی را حرام دانستند. امروز نیز فرزند خلف ایشان که پرچمدار تفکر ناب اسلامی در جهان امروز هستند، با صدور فتاوایی تاریخی تولید، انباشت و به کارگیری سلاح هسته‌ای را مغایر با موازین شرع و حقوق اسلامی اعلام نمودند. پس تکلیف ما در ارتباط با مباحث

تسلیمات کشتار جمعی مشخص است. اما یکی از مشکلات موجود در رسیدن به تفاهم با دولتهای غربی از تفاوت دو طرف در جهان بینی و نوع نگاه به عرصه سیاست نشأت می‌گیرد. ما بر اساس اصول خود زندگی می‌کنیم و خطوط قرمز ما به ویژه در حوزه مسائل اعتقادی، قابل عبور نیست. اما برای طرف مقابل زندگی معنا و مفهوم دیگری دارد. تبیین دیدگاه‌های اصولی یک ملت مسلمان و خداجو برای طرف مقابل با دشواری همراه است. نکته دیگر آنکه اراده سیاسی از سوی جمهوری اسلامی ایران وجود داشته و در حال حاضر نیز وجود دارد. همان‌گونه که ریاست محترم جمهوری به درستی بیان فرمودند ما حُسن نیت و اراده خود را برای دستیابی به تفاهم و توافق اثبات کرده و اکنون نوبت طرف مقابل است که از این فرصت تاریخی بهره‌برداری نماید.

آیا این اراده سیاسی در طرف مقابل دیده می‌شود؟